جهانی بودن امثال و حکم

اصلانی، سردار

سردار اصلانی‏ اشاره‏ نویسندگان و اندیشمندان و خطیبان دینی و سیاسی‏ اغلب از عباراتی جا افتاده،کوتاه و پرمفهوم،برای‏ اثرگذاری بیشتر بر مخاطبین خود استفاده می‏کنند که‏ آنها را«امثال و حکم»،«امثال سائره»و یا«ضرب‏ المثل»می‏نامند.کاربرد این عبارات کوتاه و پرمغز و محتوا فراوان است.به دلیل رواج امثال،میان مردم و اینکه عبارات کوتاه یاد شده،در شمار فرهنگ عامه‏ و ادبیات فولکلوریک قرار دارد گاهی گوینده همراه با بیان یک مثل یا حکمت مفهومی را می‏رساند که از هر جمله‏ای رساتر است این سبک گفتاری میان دو طبقهء تحصیل کرده و عامه،معروف و شناخته شده است.

و در اسلوب خطابی کاربردی بسیار نافذ و مؤثر دارد.ضرب المثلهای هر ملت بیانگر اندیشه و روحیات مردم آن است.مقایسهء اشتراک مفهومی‏ امثال و حکم در زبانهای عربی و انگلیسی تلاشی‏ است که آقای اصلانی در جستار خود به آن پرداخته‏ است:

حدود نیمی از ضرب المثلها در اکثر زبانهای دنیا با مفهوم واحد و مشترک ولی با الفاظ متفاوت به کار می‏روند.امثال و حکم ریشه در تجارب بشری دارد، یعنی حاصل تجربه درونی انسان و نبرد او با طبیعت،و نا ملایمات زندگی و برخوردهای جوامع انسانی است. مبتکران و آفرینندگان آن اغلب مجهول بوده‏اند ولی‏ ایجاد امثال سائره،حاصل مجموعه جوامع بشری و تجارب ملل بوده که بر زبان فرزانگان اقوام جاری شده‏ است.

تمدن بزرگ اسلامی که بیشتر با زبان و فرهنگ عربی‏ عجین شده بود،با کشورهای دنیا ارتباط برقرار کرد.در نهضت ترجمه آثار بسیار زیادی در همهء زمینه‏های‏ فرهنگ و علوم از زبانهای متفاوت دنیا به عربی ترجمه‏ شد و در دوران فتوحات اسلامی ملتهای اروپایی از فرهنگ اسلامی-عربی بسیار متأثر شدند.در قرون‏ بعدی آثار علمی در زمینه‏های پزشکی،فیزیک، ریاضیات،ادبیات،الهیات،فلسفه و...که اغلب به‏ زبان عربی بود توسط غربیان و مستشرقان به غرب انتقال‏ پیدا کرد و در نتیجه دنیای غرب با ادبیات و فرهنگ و دانش شرق اسلامی در پیوند مستقیم قرار گرفت:در اینجا بود که عرضه و دریافت و دو جانبه مطرح شد و پا گرفت.در این مقاله ابتدا مثل انگلیسی ذکر شده،و سپس ترجمه تحت اللفظی آن به عربی آمده،و در نهایت معادل آن در ادبیات کلاسیک و گاهی ادبیات‏ معاصر عربی ذکر شده است:

1- A drib ni eht dnah si htrow owt ni eht .hsub )1(

«عصفور فی الید یساوی اثنین فی الاجمة»یک‏ گنجشک در دست بهتر از دو گنجشک در میان درختان‏ و جنگل است.

ولی اکنون چنین گفته می‏شود«عصفور فی الید خیر من‏ عشرة علی الشّجرة»به معنای یک گنجشک حاضر و نقد بهتر از ده گنجشک روی درخت است.

و در عربی قدیم گفته شده:«بیضة الیوم خیر من‏ دجاجة الغد»تخم مرغ امروز بهتر از مرغ فرداست.

در فارسی این مفهوم را با سرکهء نقد به از حلوای نسیه، یا به قولی دیگر«کاچی به از هیچی»بیان می‏کنند.

2- A tac sah enin sevil )2(

«للهرّة تسع ارواح»

گربه نه جان دارد.

در عربی کلاسیک چنین است: «اعمر من حیّة»از مار عمرش بیشتر است و یا«اعمر من نسر»عمرش از کرکس زیادتر است.عرب قدیم‏ معتقد بود که کرکس پانصد سال عمر می‏کند.

در فارسی می‏گوییم فلانی سگ جان است.ایرانیها به اینکه سگ هفت جان دارد معتقد بودند و یا گفته‏ می‏شود(3):«بادنجان بم آفت ندارد».

3- A gninword nam lliw hctulc ta warts

«الغریق یتعلق بقشّة»انسان غریق به هر خاشاکی خود را وصل می‏کند.

در عربی قدیم چنین آمده است:«الغریق یتعلّق‏ بحبال الهواء»یعنی انسان غرق شده برای نجات خویش‏ دست به هر کاری می‏زند.

فردی که موقعیت اجتماعی و سیاسی و خانوادگی‏ خود را در مخاطره می‏بیند به هر وسیله‏ای متمسک‏ می‏شود.

«لا یوقع الثّعلب فی الشّرک نفسه مرتیّن».

4- A xof si ton nekat eciwt ni eht emas erans )4(

روباه در یک دام دوبار گرفتار نمی‏شود.

در این باره پیامبر اکرم(ص)می‏فرماید:«لا یلدغ المؤمن‏ حجر مرتین»مؤمن از یک سوراخ،دو بار گزیده‏ نمی‏شود.

و در امثال عربی آمده:«لیس لرجل لدغ من حجر مرّتین عذر»کسی که از یک سوراخ دو بار گزیده شده‏ باشد عذرش موجه نیست.

5- A elttil gninrael ) ro egdelwonk ( si a suoregnad gniht )5(

«العلم القلیل شی‏ء خطر».دانش کم،بسیار خطرناک‏ است.

مترادف آن در امثال کلاسیک چنین است:

«نصف العلم اخطر من الجهل»علم ناقص و کم‏ خطرناکتر از جهل و بی‏سوادی است.

6- A nam si nwonk yb eht ynapmoc eh .speek

«المرء یعرف باقرانه»

انسان با دوستانش شناخته می‏شود.

در این باره سخن بسیار گفته شده است که برخی از آنها عبارتند از: 1-«المرء بخلیله»انسان با دوستش سنجیده‏ می‏شود.

2-«جلیس المرء مثله»همنشین انسان مثل اوست.

3-«اذا لم تدر ما الانسان فنظر من الخدن المفاوض و المشیر»

اگر فردی را نمی‏شناسی ببین همنشین و مشاور او کیست.

4-«لا تسأل عن امری‏ء و اسأل به‏ ان کنت تجهل امره،ما الصاحب»

اگر فردی را نمی‏شناسی دربارهء او تحقیق مکن،بلکه‏ درباره دوستش سؤال کن.

5-«قل لی من تعاشر اقل لک من انت»

بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی یا بگو کیستی تا بگویم چیستی.

8- eveileB ton lla taht uoy ees ron flah tahw uoy .raeh )6(

«لا تصّدق کلّ ماتراه و لا نصف ما تسمعه»

هر آنچه را می‏بینید باور نکنید و نصف شنیده‏ها را تصدیق مکنید.

معادل آن در امثال عربی چنین است:«اسمع و لا تصّدق»که به معنای آن«بشنو و باور مکن»را بسیار در زبان فارسی شنیده‏ایم

9- retteB na nepo ymene naht a eslaf dneirf )7(

«عدو یجاهرک بالعداء خیر من صدیق زائف»دشمن‏ آشکار بهتر از دوست نادان است.

در امثال عربی چنین آمده:«عدو عاقل خیر من‏ صدیق جاهل»که فارسی‏زبانان در آن مفهوم این جمله‏ را به کار می‏برند:دشمن دانا به از دوست نادان

01- sdriB fo a rehtaef kcolf .rehtegot )8(

«الطّیور ذوات الریش المتشابه یألف بعضها بعضها»

پرندگان هم جنس با هم الفت می‏گیرند و هم پرواز می‏شوند.

در عربی معادل آن چنین است:«ان الطّیور علی‏ اشکالها تقع»

و فارسی زبانان این بیت را به کار می‏گیرند:

«کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز»

در همین مضمون آمده:«کلّ طیر یأوی الی شکله» هر پرنده‏ای به هم جنس خود روی می‏آورد.یعنی افراد هم سلیقه و همفکر یک هدف و یک جهت دارند.

11- ssenilnaelC si txen ot .ssenildog )9(

«النّضافة اقرب الشی‏ء الی التقّوی»

نظافت نزدیکترین چیز به تقوی است.معادل آن‏ حدیث شریف پیامبر اکرم(ص)است که می‏فرماید: «النّظافة من الایمان»،نظافت از نشانه‏های ایمان است.

21- ylraE ot deb dna ylrae ot esir )01( sekam a nam yhtlaeh , yhtlaw , dna esiw «النّوم باکرا و النهوض باکرا یکسبان المرء صحة و ثراء و حکمة».خواب به موقع و بیداری به وقت موجب‏ سلامتی و ثروت و حکمت و تعقل در انسان می‏شوند.

در امثال عربی آمده است:«باکر تسعد»سحر خیز باش تا کامروا شوی.

31- livE snoitacinummoc tpurroc doog .srennam )11(

«صحبة السّوء مفسدة الاخلاق».دوستی با بدان‏ باعث فساد اخلاق می‏شود.

یا: «وحدة الانسان خیرّ/من جلیس السّوء عنده»تنهایی‏ انسان بهتر از دوستی او با همنشین بد است.

مولای اخلاق و کرامت انسانی حضرت امام علی(ع) می‏فرماید:

«ایاک و مصادقه الاحمق فانّه یریدان ینفعک فیضرّک،و ایّاک و مصادقه الفاجر فانّه یبیعک بالتافه،و ایاک و مصادقة الکذاب فانه کالسراب یقّرب علیک البعید و یبعد علیک القریب».(12)از دوستی با احمق بپرهیز،زیرا او می‏خواهد به شما نفع برساند ولی زیان می‏رساند.از دوستی با گناهکار(بی‏توجه به دین)بپرهیز که شما را به‏ نا چیز می‏فروشد،از دوستی با دروغگو بپرهیز که او مانند سراب است امر غیر ممکن را ممکن و ممکن را غیر ممکن جلوه می‏دهد.

31- yrotsiH staeper .flesti )31(

«التاریخ یعید نفسه»تاریخ تکرار می‏شود.

ابی العلا المعری شاعر عرب می‏گوید: «الدّهر کالدّهر و الایام واحدة و الناس کالناس و الدنیا لمن غلبا»

که دقیقا با ضرب المثل انگلیسی ذکر شده معادل‏ است.

41- tI si on esu gniyrc revo tlips klim )41(

«لا جدوی من البکاء علی اللّبن المهراق».

گریه بر شیر ریخته شده بی‏فایده است.در عربی‏ معادل آن چنین است:«لا یرد المیت البکاء علیه»گریه، مرده را زنده نمی‏کند.

در فارسی نیز گفته می‏شود:سر قبری گریه کن که‏ مرده توش باشه».

یعنی گاهی خسارتی وارد می‏شود که جبران ناپذیر است و خود را به آب و آتش زدن فایده‏ای ندارد که کنایه‏ از تلاش و سعی بی‏فایده است.

51- evoL si .gnilb )51(

«الحب اعمی»عشق کور است.

61- ytisseceN sah ) ro swonk ( on .wal )61(

«الضّرورة لا قانون لها».ضرورت قانون نمی‏شناسد.

در امثال عربی چنین است:«الضّرورات تبیح‏ المحظورات»ضرورتها ممنوعیت‏های قانونی را توجیه‏ می‏کنند.

71- ytisseceN si eht rehtom fo -nevni .noit )71(

«الحاجة ام الاختراع».نیاز مادر اختراع است یا نیاز اختراع را به دنبال دارد.در عربی چنین آمده است: «الحاجة تفتق الحیلة»نیاز راهگشاست.

81- ecnedivorP si syawla no eht edis fo eht tsegnorts .snoilattab )81(

«العنایة الالهّیه هی دائما فی جانب الکتائب الأقوی» نظر خداوند همیشه با گروههای متحد و قوی است.در این باره به آیه‏ای از قرآن کریم و حدیثی از پیامبر اکرم(ص) اشاره می‏شود:

«و اعدو لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل‏ ترهبون به عدو الله و عدوکم»

(19)که در این آیه خداوند مؤمنین را به آمادگی رزمی و فراهم کردن ادوات برای‏ ایجاد وحشت در میان دشمنان خدا و مؤمنین فرا می‏خواند.

حدیث پیامبر اسلام(ص):«المؤمن القویّ خیر من‏ المؤمن الضعیف»مؤمن توانا بهتر از مؤمن ضعیف‏ است.

91- ehT foorp to eht gniddyp si ni ehT .gnitae )02(

«بلمذاق تعرف جودة الحلوی».با مزه کردن است که‏ حلوای خوب شناخته می‏شود.

امام علی می‏فرماید:«الولایات مضامیر الرّجال»(21)

در قدرت و میدان مسؤولیتها و عمل است که مردان‏ شناخته می‏شوند.

«عند الامتحان یکرم الرّجل او یهان»(22)هنگام امتحان‏ است که مرد سر بلند بیرون می‏آید یا خوار می‏شود.

معادل این ضرب المثل در ادبیات عرب چنین است: «لا یعرف السّیف الا بالقطع»شمشیر جز با تیزی و عمل‏ در میدان جنگ شناخته نمی‏شود.

به وضوح دیده می‏شود که این امثال در اکثر زبانهای‏ زنده دنیا با الفاظ متفاوت ولی با مفاهیم مشترک و متجانس تکرار می‏شوند.

در نهایت می‏توان عوامل اصلی اشتراک مفاهیم‏ ضرب المثلها را در زبانهای عربی و انگلیسی در موارد ذیل خلاصه کرد.

1-انسجام و هماهنگی در صفات و ویژگیهای ذاتی‏ و درونی میان انسانها.

2-همسویی بشر در احساس درونی و چگونگی‏ برداشت از محیط و تجربهء متجانس با دیگران.

3-روابط فرهنگی مشابه و نزدیک میان این ملتها.

4-ضرورت بیان تجارب و برداشتهای فطری،عاطفی‏ ،احساسی،فرهنگی و اجتماعی بشر و ریختن آن در قالبهای بسیار زیبا و هنری به نام«امثال و حکم».

پی نوشت:

(1)-البعلبکی،منیر«المورد»،ناشر:دار العلم للملایین،بیروت، چاپ بیست و هشتم،سال 1994،ص 5،از ملحقات کتاب

(2)-همان،ص 6،از ملحقات کتاب.

(3)-همان،ص 7.

(4)-همان،ص 7.

(5)-همان،ص 11.

(6)-همان،ص 19.

(7)-همان،ص 20.

(8)-همان،ص 21.

(9)-همان،ص 26.

(10)-همان،ص 34.

(11)-همان،ص 36.

(12)-دکتر صبحی صالح،«نهج البلاغه»،انتشارات دار الهجرة، ایران،قم،کلمات قصار،شماره 38،ص 475.

(13)-همان،ص 45.

(14)-همان،ص 54.

(15)-همان،ص 62.

(16)-همان،ص 68.

(17)-همان.

(18)-همان،ص 75.

(19)-سورهء انفال آیه 40.

(20)-همان،ص 85.

(21)-دکتر صبحی صالح،«نهج البلاغه»،انتشارات دار الهجره، قم،ایران،تاریخ چاپ ندارد،کلمات قصار،شماره 441،ص‏ 554.

(22)-همان،کلمات قصار.